

# مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیون)

فردوس آقاگل‌زاده<sup>۱\*</sup>، رضا خیرآبادی<sup>۲</sup>، ارسلان کلفام<sup>۳</sup>

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۰/۱۲/۶

دریافت: ۹۰/۹/۱

## چکیده

یکی از اهداف تحلیل گفتمان انتقادی، بررسی روابط نابرابر و سلطه‌گرانه حاکم بر رسانه و ایجاد آگاهی، بینش و نگاه انتقادی در مخاطبان رسانه‌هاست و انگاره اجتماعی - معنایی نحوه بازنمایی کنشگران اجتماعی (Van Leeuwen, 2008) چارچوب نظری مناسبی برای پژوهش در این حوزه در اختیار زبان‌شناسان و تحلیلگران گفتمان قرار می‌دهد. در تحقیق حاضر، پنجاه خبر و مقاله منتشرشده در رسانه‌های معتبر بین‌المللی که در دو ماه پایانی سال ۲۰۱۰م درباره پرونده اتمی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده‌اند، در چارچوب انگاره یادشده بررسی و نحوه بازنمایی کنشگران اجتماعی دو طرف منازعه (ایران - غرب) تحلیل می‌شود تا میزان بی‌طرفی یا جانبداری این رسانه‌ها در بازنمایی نقش‌آفرینان این کشمکش بین‌المللی آشکار شود. نتایج پژوهش مؤید این واقعیت است که باوجود ادعای بازنمایی بی‌طرفانه و قیاس توسط خبرگزاری‌ها و مطبوعات مهم بین‌المللی، جریانی هدفمند از سازکارهای زبانی و اجتماعی در مطالب منتشرشده توسط آن‌ها درباره پرونده اتمی ایران دیده می‌شود: کنشگران اجتماعی طرف ایرانی، هم از نظر حجم و محتوا و هم به لحاظ نحوه نام‌دهی و هویت‌دهی، به شیوه‌ای متفاوت با کنشگران غربی بازنمایی می‌شوند و تصویری غیرمنطقی و ستیزه‌جو از ایشان نشان داده می‌شود؛ درحالی که کنشگران طرف دیگر منازعه با همدلی بیشتر و به‌عنوان افرادی منطقی و صلح‌طلب معرفی می‌شوند.

**واژه‌های کلیدی:** انگاره اجتماعی - معنایی ون لیون، پرونده هسته‌ای ایران، تحلیل گفتمان انتقادی، رسانه‌های بین‌المللی، روابط نابرابر.

## ۱. مقدمه

یکی از اهداف مهم تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup> آشکار کردن اغراض نهفته در ورای متن یا به تعبیر کلان‌تر، یک گفتمان است. به واسطه این دستاورد مخاطبان به سطحی ژرف‌تر از تحلیل دست می‌یابند و از منظری انتقادی به متن و نیت‌های پدیدآورندگان آن می‌نگرند. آن‌گونه که فرکلاف (2001) معتقد است:

تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر عریان‌سازی چگونگی عملکرد زبان در ابقا و تغییر روابط قدرت در جوامع معاصر، می‌کوشد شناخت و آگاهی مردم از نقش زبان در شکل‌دهی، حفظ یا تغییر روابط قدرت را که به ایجاد سلطه و استعمار منجر می‌گردد فزونی بخشد. آگاهی موردنظر نهایتاً ممکن است به ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر این روابط و نظام ناعادلانه منجر گردد.

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی محل کشمکش و منازعه غرب با ایران بوده و این فشارها در دوره‌هایی از جمله پس از سال ۲۰۰۵م فزونی یافته است؛ به‌گونه‌ای که در این مدت علاوه بر تحریم‌های تحمیل‌شده از طرف کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا، شاهد ارسال پرونده فعالیت‌های اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و وضع قطعنامه‌های مختلف علیه ایران از سوی این نهاد بین‌المللی بوده‌ایم. تحریم‌های اقتصادی و سیاسی فقط بخشی از تلاش غرب برای مقابله با برنامه اتمی ایران بوده و همان‌طور که بارها مقام‌های مسئول این کشورها اعلام کرده‌اند، از هیچ تلاشی برای اعمال فشار بر ایران به‌منظور دست کشیدن از برنامه اتمی‌اش فروگذار نخواهند کرد. با توجه به نقش مهم رسانه‌ها اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی در شکل‌دهی به افکار توده‌های مختلف مخاطبان داخلی و بین‌المللی، بدیهی است که بخشی از تلاش‌های سیاستمداران غربی به بهره‌گیری از امکانات رسانه‌ای در اعمال و ایجاد فشار علیه ایران معطوف شده باشد.

در این پژوهش در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نحوه بازنمایی زبانی کنشگران ایرانی و غربی حاضر در پرونده هسته‌ای کشورمان توسط رسانه‌های بین‌المللی اعم از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مهم جهانی می‌پردازیم و می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در نحوه بازنمایی کنشگران اصلی طرفین این منازعه در رسانه‌های بین‌المللی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و در صورت مثبت بودن پاسخ، مقصود از این بازنمایی دوگانه چیست. به عبارت دیگر، هدف این پژوهش، بررسی میزان بی‌طرفی رسانه‌های مهم بین‌المللی در پوشش اخبار پرونده اتمی ایران به‌ویژه در بازنمایی نقش‌آفرینان اصلی این کشمکش مهم با استفاده از داده‌های

جمع‌آوری شده از رسانه‌های غربی است. به این منظور، پنجاه عنوان مقاله و خبر از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های مهم بین‌المللی که در دو ماه پایانی سال ۲۰۱۰م منتشر شده‌اند، به صورت تصادفی انتخاب و در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به‌ویژه انگاره‌بازنمایی کنشگران اجتماعی براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی ون لیون<sup>۱</sup> (2008) تحلیل شده است تا همسانی یا سوگیری احتمالی در نحوه‌بازنمایی طرفین ایرانی و غربی این پرونده توسط رسانه‌های مهم جهانی آشکار شود. گرچه پژوهش‌هایی در زمینه بررسی گفتمانی رسانه‌های مختلف در برابر پرونده هسته‌های ایران انجام شده است، پژوهش حاضر به‌لحاظ جدید بودن داده‌های تحقیق، وسعت و تنوع منابع خبری مورد استفاده، و چارچوب نظری آن (الگوی نحوه‌بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیون) از تازگی و نوآوری برخوردار است. الگوی ون لیون در آشکارسازی تفاوت‌های موجود در شیوه‌بازنمایی کنشگران حاضر در گفتمان از کفایت برخوردار است. در انتخاب داده‌های این پژوهش کوشیده‌ایم دامنه متنوعی از رسانه‌ها اعم از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های غربی را بررسی کنیم. با تشدید فشارهای غرب بر ایران در زمینه پرونده هسته‌ای در نیمه دوم سال ۲۰۱۱م، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده برنامه‌ریزی هدفمند رسانه‌های مهم بین‌المللی در همسویی با تشدید این فشارهاست.

## ۲. پیشینه تحقیق

بررسی عناصر زبانی اخبار در چارچوب تحلیل گفتمان از پیشینه شایان توجهی برخوردار است و به‌ویژه در دو دهه اخیر و پس از گسترش جریان تحلیل گفتمان انتقادی از ابتدای دهه ۱۹۹۰م، شاهد رشد فزاینده پژوهش‌ها در زمینه تحلیل زبان اخبار بوده‌ایم. تلاش‌های آغازین در این عرصه اغلب به شناخت و معرفی عناصر زبانی گفتمان‌مدار<sup>۲</sup> موجود در اخبار در سطوح واژگانی، نحوی و معنایی می‌پرداخت؛ از جمله ون دایک (1988)، فاولر (1991) و فرکلاف (1989 و 2001) کوشیدند عناصر صوری حاوی عوامل گفتمانی را در چارچوب‌های مورد علاقه خاص خود دسته‌بندی و معرفی کرده و در پیکره‌ای از داده‌های مطبوعاتی، نحوه تحلیل این عناصر گفتمان‌مدار را به‌تصویر بکشند. بسیاری از تلاش‌های زبان‌شناختی در زمینه تحلیل اخبار در چارچوب تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰م برگرفته و متأثر از دستور نقش‌گرای نظام‌مند<sup>۳</sup> هلیدی بود. ردپای این رویکرد نقش‌گرا در هر سه اثری که پیشتر اشاره شد، به‌ویژه آثار فاولر و فرکلاف مشهود است. با گسترش دامنه پژوهش‌ها از یک‌سو و پیدایش

و گسترش رسانه‌های نوین به‌ویژه فراگیر شدن پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای، پژوهش‌های زبان‌شناختی در حوزه زبان و خبر از متنوع‌تر شدن. اما همچنان رویکردهایی مانند رویکرد جامعه‌شناختی فرکلاف، رویکرد اجتماعی- تاریخی واک<sup>۵</sup>، مطالعات اجتماعی- شناختی<sup>۶</sup> ون دایک و رویکرد جامعه‌شناختی- معنایی<sup>۷</sup> ون لیون به اخبار به‌عنوان منسجم‌ترین و اصلی‌ترین پایگاه‌های نظری پژوهش‌های زبان‌شناختی در زمینه زبان و خبر به‌شمار می‌آیند؛ هرچند رویکردهای دیگری مانند نظریه سیاسی اجتماعی لاکلاو و موفه و آنچه در پژوهش‌های کرس<sup>۸</sup> به‌چشم می‌خورد نیز مورد توجه محققان این حوزه بوده است.

در ایران نیز پژوهشگران بسیاری موضوع رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات خود را به بررسی زبان خبر به‌ویژه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی اختصاص داده‌اند. رساله دکتری آقاگل زاده (۱۳۸۱) از آغازین پژوهش‌ها در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. این رساله ضمن معرفی ابعاد مختلف این رویکرد، دیدگاه‌های تحلیل گفتمان انتقادی درباره تحلیل متون مختلف به‌ویژه متون مطبوعاتی و شیوه تحقیق در این عرصه را بررسی کرده است. رساله دکتری آقاگل زاده مبنای اثر بعدی این پژوهشگر (آقاگل زاده، ۱۳۸۵) را نیز تشکیل می‌دهد. رساله دکتری سلطانی (۱۳۸۳) و کتاب او (۱۳۸۴) نیز از پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه تحلیل گفتمان است که در چارچوب الگوی لاکلا و موفه<sup>۹</sup> انجام شده و به بررسی تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک کلان‌گفتمان و گفتمان محافظه‌کار و اصلاح‌طلب به‌عنوان خرده‌گفتمان‌های درون آن پرداخته است. چاپ کتاب *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی* یارمحمدی در سال ۱۳۸۳ از اولین تلاش‌ها در زمینه تبیین ابعاد تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی و تفاوت این دو رویکرد با یکدیگر است. یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) نیز با به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون لیون (۲۰۰۸) به بررسی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل پرداخته و ابعاد الگوی ون لیون در تحلیل کنشگران اجتماعی را به‌تفصیل معرفی کرده‌اند. *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی* نیز مجموعه مقالات دیگری از یارمحمدی (۱۳۸۹) است که مقاله پنجم آن با عنوان «کاربرد زبان‌شناسی در تهیه و تنظیم خبر» ارتباط نزدیکی با پژوهش حاضر دارد.

از بین پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مطالعه گفتمانی پرونده اتمی ایران می‌توان به مقاله دعاگویان (۱۳۸۷) اشاره کرد که در چارچوب الگوی نظری فرکلاف، به بررسی بازنمایی ایدئولوژی قدرت در بازی‌های زبانی «گروه پنج به‌علاوه یک» با ایران پرداخته است. ذوالفقار روشن (۱۳۸۸) نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را به بررسی بازنمایی گفتمان

هسته‌ای ایران به شیوه‌ای مقایسه‌ای و از منظر روایت‌های متفاوت رئیس‌جمهورهای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا اختصاص داده است.

### ۳. چارچوب نظری و روش تحقیق

ون لیون در آثار متعدد (1993، 1995 و 1996) به معرفی انگاره پیشنهادی خود جهت بازنمایی کنشگران اجتماعی<sup>۱۱</sup> پرداخته است. نگارندگان این مقاله الگوی ۲۰۰۸ ون لیون را مبنای پژوهش قرار داده‌اند. از سوی دیگر، الگوی پیشنهادی ون لیون دارای زیرمجموعه‌ها و دسته‌بندی‌های متعدد و متنوعی است که در این تحقیق به منظور پرهیز از طولانی شدن بحث، نیازی به بررسی و معرفی تمام این دسته‌بندی‌ها نیست. ون لیون در الگوی خود به جای اصطلاح مشارکین گفتمان<sup>۱۱</sup> از ترکیب «کنشگران اجتماعی»<sup>۱۲</sup> استفاده می‌کند که با رویکرد کلی این پژوهشگر که حالتی جامعه‌شناختی-معنایی دارد، همسوتر است. الگوی ون لیون در سطح نخست به دو مؤلفه حذف<sup>۱۳</sup> و اظهار<sup>۱۴</sup> تقسیم می‌شود. منظور از حذف در گفتمان، فرایندی است که در آن کنشگر اجتماعی از گفتمان حذف، و به دو زیربخش پنهان‌سازی<sup>۱۵</sup> و کم‌رنگ‌سازی<sup>۱۶</sup> تقسیم می‌شود (معادل‌گزینی‌های این بخش بیشتر از مقاله یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) نقل شده است). در فرایند پنهان‌سازی با حذف کامل کنشگران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها روبه‌رو هستیم که ون لیون آن را حذف افراطی<sup>۱۷</sup> می‌نامد. اگرچه در کم‌رنگ‌سازی کنشگر از گفتمان حذف می‌شود، کنش‌ها و ردپایش در متن قابل بازیابی است و می‌توان به‌گونه‌ای تلویحی به حضور او پی برد. ون لیون (2008: 33) برخی از سازکارهای زبانی تحقق پنهان‌سازی را این‌گونه معرفی می‌کند: الف. حذف فاعل در ساخت مجهول<sup>۱۸</sup>؛ ب. کاربرد بندهای ناخودایستا<sup>۱۹</sup>؛ ج. حذف بهره‌ور<sup>۲۰</sup>؛ د. اسم‌سازی<sup>۲۱</sup> و اسم‌های فرایندنا<sup>۲۲</sup>؛ ه. استفاده از صفت؛ و. استفاده از جهت‌میان<sup>۲۳</sup>.

در جهت‌میان، آنچه در جایگاه فاعل دستوری قرار می‌گیرد به جای آنکه عامل و کنشگر اصلی عمل باشد، واسطه و ابزاری برای انجام عمل است. منظور از اظهار، وجود و حضور کنشگران اجتماعی در گفتمان است که با شیوه‌های مختلف محقق می‌شود. ون لیون (2008) فرایند اظهار را دارای سه زیربخش اصلی می‌داند: الف. فعال‌سازی در برابر منفعل‌سازی<sup>۲۴</sup>؛ ب. مشارکت، موقعیت‌سازی و منتفع‌سازی<sup>۲۵</sup>؛ ج. تشخیص‌بخشی/تشخیص‌زدایی<sup>۲۶</sup>. منظور از فعال‌سازی، بیان کنشگران اجتماعی در قالب معلوم و منظور از منفعل‌سازی،

تحت عمل قرار گرفتن یا معطوف شدن نتیجه عمل به سوی کنشگران است که این فرایند می‌تواند با نقش‌های دستوری اعطاشده به مشارکین، از جمله ساختارهای گذرایی تجلی یابد که در آن کنشگران فعال اجتماعی در قالب رفتارگر در فرایندهای رفتاری<sup>۲۷</sup>، احساس‌گر<sup>۲۸</sup> در فرایندهای ذهنی<sup>۲۹</sup> و یا گوینده<sup>۳۰</sup> در فرایندهای کلامی<sup>۳۱</sup> نمایش داده می‌شوند. ون لیون دو راهکار برای منفعل‌سازی معرفی می‌کند: الف. مطیع‌سازی<sup>۳۲</sup>؛ ب. بهره‌ورسازی<sup>۳۳</sup>. مطیع‌سازی به‌کمک فرایندهایی مانند مشارکت کنشگرهای اجتماعی منفعل در مقام هدف<sup>۳۴</sup> در فرایندهای مادی، پدیده<sup>۳۵</sup>، در فرایندهای ذهنی و یا حامل<sup>۳۶</sup> در فرایندهای اسنادی<sup>۳۷</sup>، موقعیت‌سازی با استفاده از افزوده‌های حاشیه‌ای و ملکی‌سازی به‌انجام می‌رسد.

دسته سوم از سازکارهای فعال‌سازی، استفاده از راهکار تشخیص‌بخشی<sup>۳۸</sup> در برابر تشخیص‌زدایی<sup>۳۹</sup> است. در تشخیص‌بخشی، کنشگرهای اجتماعی در مقام انسان و یا با ضمیرهای شخصی یا ملکی، اسامی خاص و مواردی که دارای مشخصه ممیز انسان‌بودن هستند بیان می‌شوند و در تشخیص‌زدایی شاهد فرایندی عکس آنچه گفته شد هستیم. تشخیص‌بخشی دارای دو زیرمجموعه است: الف. مشخص‌سازی<sup>۴۰</sup>؛ ب. نام‌مشخص‌سازی<sup>۴۱</sup>. تشخیص‌زدایی نیز شامل چهار زیربخش است: الف. جنس ارجاعی<sup>۴۲</sup>؛ ب. نوع ارجاعی<sup>۴۳</sup>؛ ج. انتزاعی‌سازی<sup>۴۴</sup>؛ ه. عینی‌سازی<sup>۴۵</sup>. البته، باید توجه داشت تمایز بین جنس ارجاعی و نوع ارجاعی می‌تواند باعث تمایز میان تشخیص‌بخشی یا تشخیص‌زدایی شود؛ به همین دلیل ون لیون این دو راهکار زبانی را به‌طور مشترک در هر دو بخش تشخیص‌زدایی و تشخیص‌بخشی ذکر می‌کند.

ون لیون (2008: 36-37) برای نوع ارجاعی دو زیرمجموعه قائل می‌شود: فرد ارجاعی<sup>۴۶</sup> و گروه ارجاعی<sup>۴۷</sup>. در فرد ارجاعی، کنشگران اجتماعی به‌صورت منفرد بازنمایی می‌شوند؛ حال آنکه در گروه ارجاعی شاهد بازنمایی کنشگران در قالب گروهی هستیم. «پس اینکه ما می‌توانیم کارگزاران را به‌صورت جنس (یا عام، کلی و جمعی) و یا در هیئت نوع (خاص و جزئی و فردی) ذکر کنیم، مؤلفه گفتمان‌مدار تلقی می‌شود.» (یارمحمدی و سیف، ۱۳۸۳: ۴۲۸). همان‌طور که اشاره شد تشخیص‌بخشی دارای دو زیرمجموعه اصلی به‌نام‌های مشخص‌سازی و نام‌مشخص‌سازی است. در فرایند مشخص‌سازی، هویت کنشگر اجتماعی به‌شیوه‌ای بارز و مشخص بیان می‌شود؛ اما در نام‌مشخص‌سازی، کنشگرهای اجتماعی به‌صورت اشخاص ناشناس و بدون هویت معین بازنمایی می‌شوند.

ون لیون پیوندهی را شیوه دیگری می‌داند که از طریق آن می‌توان کنشگرهای اجتماعی را در قالب یک گروه بازنمایی کرد. منظور از پیوندهی، تشکیل دادن گروه‌هایی از کنشگران اجتماعی است که درباره موضوعی با هم هم‌نظرند و به واسطه این هم‌رأیی و موافقت در یک گروه انگاشته می‌شوند. البته، این گروه‌ها دارای ثبات و ریشه نیستند و ممکن است در سایر موضوعات هیچ نزدیکی و یکسانی‌ای با هم نداشته باشند.

منظور از فرایند تفکیک کردن، تمایز یک کنشگر (یا گروهی از کنشگران) اجتماعی از دیگر کنشگر(های) مشابه است؛ یعنی همان تمایز شناخته‌شده و بسیار مورد تأکید us در برابر them یا self در برابر other.

در فرایند نام‌دهی، کنشگرهای اجتماعی براساس نام و هویت منحصربه‌فرد خود ذکر می‌شوند؛ اما در فرایند طبقه‌بندی، به جای ذکر هویت فردی، کنشگر اجتماعی در قالب طبقه و دسته‌بندی خاصی که برخاسته از نقش‌ها و هویت مشترک است بازنمایی می‌شود. مؤلفه‌های طبقه‌بندی و نام‌دهی دارای زیرمجموعه‌های متنوعی هستند. ون لیون طبقه‌بندی را به سه زیرمؤلفه نقش‌دهی<sup>۴۸</sup>، هویت‌بخشی<sup>۴۹</sup> و ارزش‌دهی<sup>۵۰</sup> تقسیم می‌کند. در نقش‌دهی، کنشگران اجتماعی برحسب نقش شغلی و حرفه‌ای خود بازنمایی می‌شوند. پسوندهای سازنده صفت فاعلی مانند er در teacher و ee در employee، اسم‌هایی مانند pianist یا mountaineer ترکیباتی مانند cameraman یا chairperson و... مصداق‌هایی از بازنمایی زبانی هویت‌بخشی‌اند. هویت‌بخشی در الگوی ون لیون دارای سه زیربخش: هویت‌بخشی طبقه‌ای<sup>۵۱</sup>، هویت‌بخشی نسبتی<sup>۵۲</sup> و هویت‌بخشی ظاهری<sup>۵۳</sup> است.

هویت‌بخشی طبقه‌ای براساس دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های مهم، آشکار و مبنی‌بر نهادهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، قومی، گرایش‌های جنسیتی و مواردی از این‌دست انجام می‌شود. هویت‌بخشی نسبتی بر روابط فامیلی و خویشاوندی مانند پدربزرگ، دوست، همکار و غیره استوار است. در هویت‌بخشی ظاهری هم کنشگرهای اجتماعی براساس ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری‌شان مانند رنگ پوست، چهره، قد، وزن و غیره بازنمایی می‌شوند.

در زیرطبقه ارزش‌دهی، فرانش بینافردی مورد تأکید است و طی آن کنشگرهای اجتماعی با ارزش‌یابی و قضاوت گوینده و نویسنده بازنمایی می‌شوند. ون لیون زیرمؤلفه نام‌دهی را به دو بخش تقسیم می‌کند: الف. نام‌دهی رسمی / نیمه‌رسمی / غیررسمی<sup>۵۴</sup>؛ ب. عنوان‌دهی / عنوان‌زدایی<sup>۵۵</sup>. عنوان‌دهی به دو زیربخش مقام‌دهی<sup>۵۶</sup> و نسبت‌دهی<sup>۵۷</sup> تقسیم می‌شود. در مقام‌دهی عنوان‌های رسمی و رتبه‌های شغلی و علمی مانند «دکتر و استاد» ذکر می‌شود و در



نسبت‌دهی، نسبت‌های فامیلی مانند «پدر و عمو».

زیرمؤلفه آخر از مؤلفه مشخص‌سازی، تمایز میان مشخص‌سازی تک‌موردی و مشخص‌سازی چندموردی است. در مشخص‌سازی تک‌موردی کنشگرهای اجتماعی در یک نقش اجتماعی شرکت دارند و در قالب یک نقش منفرد بازنمایی می‌شوند؛ اما در مشخص‌سازی چندموردی یک کنشگر اجتماعی به‌طور هم‌زمان در چند نقش حضور دارد. در این تحقیق، شیوه بازنمایی کلی کنشگران اجتماعی فعال در دو سوی پرونده هسته‌ای ایران به‌ویژه دو عنصر اظهار و حذف را در داده‌هایی که به شرح زیر گردآوری شده‌اند بررسی می‌کنیم.

#### ۴. داده‌های تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر را پنجاه عنوان مقاله و خبر منتشرشده در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های مهم بین‌المللی تشکیل می‌دهد که در دو ماه پایانی سال ۲۰۱۰م به موضوع پرونده اتمی ایران پرداخته‌اند. این داده‌ها به‌صورت تصادفی از منابع رسانه‌ای پرنفوذ انتخاب شده‌اند. این اخبار، به‌ویژه اخبار خبرگزاری‌ها در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری متعدد دیگر نیز نقل شده و از وسعت انتشار بالایی برخوردار بوده‌اند. جدول شماره یک نشان‌دهنده عنوان، تاریخ انتشار و منابع اخباری است که داده‌های پژوهش را تشکیل می‌دهد:

جدول ۱ عناوین و منابع اخبار و مقالات انتخابی

ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار	منبع خبر
1	Iran says no date set for nuclear talks	Tuesday, 28 December 2010	Agance France Press (AFP)
2	Medvedev says Iran nuclear stance 'unreasonably tough'	Wednesday, 22 December 2010	Bloomberg
3	Iran atomic chief Salehi takes charge as new FM	Saturday, 18 December 2010	Agance France Press (AFP)
4	U. S., EU nations agree on new Iran sanctions	Saturday, 18 December 2010	The Wall Street Journal
5	Iran maintains nuclear policy after FM sacked	Tuesday, 14 December 2010	AFP
6	Top US officer says Iran still driving for a bomb	Saturday, 18 December 2010	The Associated Press (AP)
7	U. S. and allies plan more sanctions against Iran	Saturday, 11 December 2010	The New York Times
8	West eyes tighter Iran sanctions for arms smuggling	Friday, 10 December 2010	AFP



## ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار	منبع خبر
9	Little progress seen as talks with Iran come to end	Wednesday, 08 December 2010	The Washington Post
10	Ahmadinejad sets nuclear red lines for January talks	Wednesday, 08 December 2010	Reuters
11	Iran will not discuss atom enrichment at next talks	Tuesday, 07 December 2010	Reuters
12	Gulf states urge Iran to be 'positive' on nuclear talks	Tuesday, 07 December 2010	AFP
13	Iran talks were difficult: U.S. official	Tuesday, 07 December 2010	Reuters
14	Major powers and Iran hold 'constructive' talks	Tuesday, 07 December 2010	The Washington Post
15	Scientist's death dominates nuclear talks as Iran blames agents	Monday, 06 December 2010	Bloomberg
16	Yellowcake plays a crucial role	Monday, 06 December 2010	The Wall Street Journal
17	Iran touts nuclear advance ahead of U.S. talks	Monday, 06 December 2010	The Wall Street Journal
18	Nuclear chief says Iran to process own raw uranium	Sunday, 05 December 2010	The Associated Press
19	Iran accuses U.N. nuclear agency of sending spies	Sunday, 05 December 2010	Reuters
20	Iran ready for talks, but not on nuclear rights: Ahmadinejad	Sunday, 05 December 2010	AFP
21	Clinton presses Iranians	Saturday, 04 December 2010	The Wall Street Journal
22	China says hopes Iran nuclear talks are constructive	Friday, 03 December 2010	Reuters
23	EU powers say Iran on path of "confrontation"	Thursday, 02 December 2010	Reuters
24	US lawmakers fume over China's Iran links	Thursday, 02 December 2010	AFP
25	Iran talks must focus on nuclear issue: Clinton	Wednesday, 01 December 2010	Reuters
26	US hopes Iran will pursue 'serious process' on nuclear issue	Tuesday, 30 November 2010	AFP
27	EU's Ashton to hold talks with Iran Dec. 6-7	Tuesday, 30 November 2010	Reuters
28	Embarrassed silence in Gulf over WikiLeaks on Iran	Monday, 29 November 2010	AFP
29	Iran admits uranium enrichment hit by malware	Monday, 29 November 2010	AFP
30	Iran's atom enrichment not negotiable-Ahmadinejad	Monday, 29 November 2010	REUTERS



## ادامه جدول ۱

ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار	منبع خبر
31	Around the world, distress over Iran	Monday, 29 November 2010	The New York Times
32	Iran's nuclear plant starts operations Saturday	27 November 2010	AFP
33	Centrifuges in Iran were shut down, IAEA report says	Wednesday, 24 November 2010	The Washington Post
34	US stresses Iran's 'continued failure' to comply with IAEA	Wednesday, 24 November 2010	AFP
35	Report says computer worm stymied Iran nuclear sites	Wednesday, 24 November 2010	The Wall Street Journal
36	Iran denies problem with uranium enrichment	Tuesday, 23 November 2010	AFP
37	North Korea nuclear find raises fear on Tehran	Tuesday, 23 November 2010	The Wall Street Journal
38	Iran to hike atomic output despite possible talks	Monday, 22 November 2010	Reuters
39	Iran nuclear talks likely in Geneva next month: EU	Monday, 22 November 2010	AFP
40	Stuxnet may be part of Iran atom woes - ex-IAEA aide	Sunday, 21 November 2010	Reuters
41	Worm can deal double blow to nuclear program	Saturday, 20 November 2010	The New York Times
42	Russia tells Iran to keep nuclear drive peaceful	Thursday, 18 November 2010	AFP
43	Gates says Iran leadership rift over nuclear sanctions	Tuesday, 16 November 2010	BBC News
44	Stuxnet study suggests Iran enrichment aim: experts	Tuesday, 16 November 2010	Reuters
45	Analysis: Are Iran nuclear talks doomed to fail again?	Monday, 15 November 2010	Reuters
46	China, Russia urge Iran to show nuclear plans peaceful	Monday, 15 November 2010	Reuters
47	Iran's nuke plant to feed power grid in December	Sunday, 14 November 2010	The Associated Press
48	Iran holds defence drills at nuclear plants: commander	Sunday, 14 November 2010	AFP
49	EU accepts Iran talks offer, suggests venue	Friday, 12 November 2010	AFP
50	E. U. responds to Iran about talks on nuclear program	Friday, 12 November 2010	The New York Times

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده سوگیری آشکار و هدفمند رسانه‌های غربی علیه برنامه اتمی ایران است که این نابرابری رسانه‌ای را می‌توان در سیاست درپیش گرفته‌شده از طرف رسانه‌های نام‌برده نسبت به بازنمایی کنشگران طرف‌های ایرانی و غربی مشاهده کرد؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر کنشگران ایرانی حتی شیوه نام‌دهی کشور ایران به‌عنوان یک تمامیت جغرافیایی به رسمیت شناخته‌شده و دارای نام مشخص در تمام نهادهای بین‌المللی نیز از این سیاست غرض‌ورزانه درامان نبوده است. در ادامه، به بررسی و تحلیل داده‌های تحقیق می‌پردازیم:

### ۵-۱. سازکارهای اظهار و حذف

بررسی داده‌های پژوهش نشان‌دهنده این واقعیت است که رسانه‌های مهم بین‌المللی در پوشش اخبار مربوط به موضوع هسته‌ای ایران از سیاست اظهار کنشگران غربی در مسائل مثبت (مانند دفاع از حقوق بشر و تلاش برای ایجاد امنیت جهانی) و حذف ایشان از مسائل منفی و عکس همین سیاست درمورد بازنمایی کنشگران ایرانی پیروی می‌کنند. نتیجه این سیاست، بازنمایی چهره‌های مثبت از کنشگران غربی به‌عنوان سیاستمداران منطقی، صلح‌طلب و خواهان گفت‌وگو از یک‌سو و ترسیم نمایی منفی از سیاستمداران ایرانی درگیر در پرونده هسته‌ای از سوی دیگر است. در موارد متعددی شاهد فرایند حذف افراطی کنشگران ایرانی از طریق جایگزین کردن صورت مجهول و یا استفاده از سیاست توده ارجاعی و نام‌دهی کلی، یعنی برابر نهادن نام «ایران» به جای ذکر نام و عنوان کنشگران ایرانی هستیم؛ به‌گونه‌ای که گفته‌های سیاستمداران ایرانی برابر با نام ایران معرفی می‌شود و با گزینش بخش‌هایی از حرف‌های ایشان - به‌گونه‌ای که جهت‌گیری افراطی و گزنده غالب باشد - چهره‌ای ستیزه‌جو، غیرمنطقی و افراطی از «ایران» نمایش داده می‌شود. برای مثال، می‌توان به‌عنوان خبر شماره پنج جدول داده‌های پژوهش اشاره کرد:

#### 5. Iran maintains nuclear policy after FM sacked.

ایران به سیاست اتمی خود پس از تغییر وزیر امور خارجه‌اش ادامه می‌دهد. در سراسر این خبر نویسنده خبرگزاری فرانسه می‌کوشد از «ایران»، به‌عنوان یک ماهیت کلی، تصویری افراطی ارائه دهد که سیاست‌های اتمی آن تحت هیچ شرایطی، از جمله تغییر وزیر امور خارجه تفاوت نخواهد کرد و امیدی به مذاکره با آن نیست. کاربرد واژه «ایران» یا «ایرانی» در ۴۶ مورد از عناوین اخبار نشان‌دهنده تلاش برای برجسته‌سازی واژه «ایران» و مرتبط کردن نکات



منفی و افراطی با این نام و در نتیجه تمام زیرشمول‌های آن یعنی سیاستمداران ایرانی و در مرحله بعد تمام مردم آن است. عنوان شماره دو که نقل‌قولی از دیمیتری مدودف، وزیر امور خارجه روسیه، است این سوگیری رسانه‌ای را آشکارا نشان می‌دهد:

2. Medvedev says Iran nuclear stance 'unreasonably tough'.

مدودف می‌گوید سیاست اتمی ایران به طرز بی‌منطقی انعطاف‌ناپذیر است. کنشگران ایرانی حاضر در این پیکره داده‌ها را اغلب شخصیت‌های سیاسی برجسته ایرانی تشکیل می‌دهند؛ از جمله آقایان احمدی‌نژاد، صالحی، متکی و مهمان‌پرست. این درحالی است که هیچ متخصص یا کارشناس ایرانی یا غیرایرانی که در مورد برنامه اتمی ایران نظری مثبت ابراز کرده باشد، در این پیکره داده‌ها مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، دانشمندان، متخصصان و کارشناسان در مقام گروه‌های مرجع که اعتماد توده مردم به ایشان در سطح بالایی است، به کل از این اخبار حذف شده و صدای طرف ایرانی فقط از سوی سیاستمداران رده‌بالای ایران به گوش مخاطب می‌رسد؛ درحالی که دیدگاه‌های طرف غربی بارها از سوی متخصصان و کارشناسان مختلف (با ذکر نام یا تنها با اکتفا به عبارت کلی «کارشناس‌ها یا تحلیلگران می‌گویند») ابراز می‌شود. برای مثال، فقط با بررسی عنوان‌های جدول شماره یک، موارد مختلفی از این ارجاع به گروه‌های مرجع را شاهدیم؛ از جمله:

6. **Top US officer** says Iran still driving for a bomb.

13. Iran talks were difficult: **U.S. official**.

24. **US lawmakers** fume over China's Iran links.

44. Stuxnet study suggests Iran enrichment aim: **experts**.

45. **Analysis**: Are Iran nuclear talks doomed to fail again?

48. Iran holds defence drills at nuclear plants: **commander**.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در برخی خبرها، برای بیان مطالب مورد نظر رسانه از زبان افرادی که «کارشناسان یا تحلیلگران» نامیده می‌شوند، از راهبرد نامشخص‌سازی استفاده شده است تا ضمن پرهیز از موضع‌گیری مستقیم رسانه، از اعتبار گروه‌های مرجع اجتماعی در اقلان خوانندگان نیز بهره گرفته شود. نحوه بازنمایی کشورهای حامی ایران از یکسو و کشورهای غربی از دیگر سو نیز نشان از این سیاست اظهار و حذف هدفمندانانه دارد؛ به گونه‌ای که کشورهای طرفدار و یا موافق با برنامه هسته‌ای ایران در این پیکره داده‌ها فقط عبارت‌اند از: روسیه، چین، سوریه و تاحدودی ترکیه و برزیل؛ درحالی که در هیچ‌یک از خبرهای مورد بررسی هرگز به چندین کشور و سازمان بین‌المللی (از جمله کشورهای عضو سازمان عدم‌تعهد) که همواره از برنامه اتمی ایران دفاع کرده‌اند اشاره‌ای نشده است. در مورد

کشورهایی مانند چین و روسیه هم در اکثر قریب به اتفاق فقط بخش‌های منفی گفته‌های سیاستمداران این کشورها که نمودار تردید یا نگرانی ایشان در مورد ماهیت برنامه هسته‌ای ایران است، گزینش شده:

2. **Medvedev** says Iran nuclear stance 'unreasonably tough.

22. **China** says hopes Iran nuclear talks are constructive.

46. **China, Russia** urge Iran to show nuclear plans peaceful.

در خبر شماره ۳۷ نیز کاملاً شاهد مرتبط دانستن برنامه اتمی ایران با برنامه هسته‌ای کره شمالی هستیم که نظامی بودن آن برای جهان به اثبات رسیده است. در کنار این تصویر منزوی و یاران معدودی که از ایران در عرصه بین‌المللی ترسیم می‌شود، طرف غربی با استفاده از سازکارهای گروه ارجاعی و پیونددهی، با عناوین بسیار مثبتی مانند «قدرت‌های بزرگ جهان»، «اتحادیه اروپا» و «کشورهای پیشرفته جهان» نامیده می‌شود که از نوعی نظم و انسجام درونی برخوردار هستند؛ مانند «اتحادیه اروپا»، «کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد» و «آمریکا و متحدان بین‌المللی‌اش».

## ۲-۵. سیاست‌های نامدهی / هویت‌بخشی (تشخص‌بخشی / تشخیص‌زدایی)

همان‌گونه که در الگوی اجتماعی-معنایی ون لیون از کنشگران اجتماعی مشاهده می‌شود، شیوه نامدهی و هویت‌بخشی به کنشگران اجتماعی از اهمیت بالایی در این شبکه برخوردار است. بررسی شیوه نامدهی کنشگران ایرانی و غربی پرونده هسته‌ای ایران نشان از تفاوت آشکار رویکرد رسانه‌های بین‌المللی به طرفین این ماجرا دارد و مؤید این نکته است که این رسانه‌ها در پوشش اخبار مربوط به این موضوع اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده‌اند و می‌کوشند از کنشگران ایرانی تصویری منفی نشان دهند. البته، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف در نحوه القای ایدئولوژی و مقاصد خود در این زمینه متفاوت با یکدیگر عمل می‌کنند؛ اما بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد تقریباً تمام آن‌ها در بازنمایی تصویر کنشگران ایرانی و غربی این منازعه جانبدارانه عمل می‌کنند. در ادامه، برخی از شیوه‌های این بازنمایی نامتعادل و جانبدارانه همراه با شواهد بررسی می‌شود.

### ۱-۲-۵. عدم بازتاب نظرها و گفته‌های کنشگران ایرانی

بررسی داده‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که بیش از ۸۳ درصد از حجم مطالب خبرهای بررسی‌شده نظرات طرف غربی یا نظرات نویسندگان اخبار و مقالاتی را منعکس می‌کند که

آشکار و پنهان و در درجات مختلف تأییدکننده و همسو با دیدگاه‌های طرف غربی است. کمتر از ۱۷ درصد از حجم مطالب هم به بازتاب گفته‌ها و نظرات طرف ایرانی اختصاص داده شده است؛ همین میزان کم هم به صورت گزینشی و ناقص از میان کلیت گفته‌های ایشان و به قصد ترسیم چهره‌ای منازعه‌طلب، بی‌منطق و خشن از طرف ایرانی انتخاب شده است. تنها گزاره‌ای که از طرف ایرانی در پاسخ به اتهامات فراوان مطرح شده در این رسانه‌ها مجال طرح یافته، عبارت کلیشه‌ای و فاقد محتوای اطلاع‌رسانی زیر است که هیچ اطلاع‌نوی به خواننده مطلب نمی‌افزاید و درج آن فقط به قصد نشان دادن انتشار نظرات طرف ایرانی در اخبار است: ایران همواره اتهامات وارده را رد و اعلام کرده است که برنامه هسته‌ای این کشور به منظور کاربردهای صلح‌آمیز می‌باشد.

این جمله کلیشه‌ای که در قالب‌های مختلف و اغلب به‌عنوان اصلی‌ترین یا تنها پاسخ طرف ایرانی در داده‌های پژوهش به چشم می‌خورد، اصولاً فاقد محتوای اطلاعی است و بدیهی است که هر متهمی اتهامات وارده به خود را رد کند. در واقع، عملاً در اکثر موارد صدای یک طرف منازعه، یعنی ایران هرگز مجال انعکاس در اخبار را نیافته است و در برابر سیلی از اتهامات گوناگون، امکان طرح پاسخ و دفاع از این طرف ماجرا سلب شده است؛ در حالی که با وجود استفاده گسترده از سازکارهای توده‌ارجاعی و نامشخص‌سازی، در داده‌های بررسی‌شده استفاده از مکانیسم مجموعه ارجاعی و کاربرد ارقام، حقایق آماری و یا نظرسنجی مشاهده نمی‌شود که این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده نبود این‌گونه اطلاعات قابل استناد باشد.

## ۲-۲-۵. بازنمایی کنشگران ایرانی و کشور ایران

بررسی چگونگی نام‌دهی کنشگران ایرانی و حتی نحوه نام‌دهی ایران در پیکره داده‌های تحقیق مؤید رویکرد جانبدارانه رسانه‌های بین‌المللی است. ایران در بیشتر این خبرها با نام‌ها و عبارت‌های گفتمان‌مداری مانند «یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان»، «کشور حوزه خلیج» (اشاره غیرمستقیم به وجود بیشترین ذخایر سوخت‌های فسیلی در این منطقه)، رژیم/ حکومت اسلامی/ شیعه، حکومت غیرمسئول و مواردی از این‌دست توصیف شده و درمقابل، از کشورهای طرف دیگر ماجرا با عنوان «شش قدرت بزرگ جهان»، «کشورهای پیشرفته»، «جامعه بین‌المللی»، «آمریکا و متحدانش» و غیره یاد شده است. در این خبرها نام‌دهی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و دارندگان ذخایر سوخت‌های فسیلی در جهان کاملاً هدفمند و به‌منظور زیر سؤال بردن مقصود ایران از دستیابی به

سوخست هسته‌ای با هدف تولید انرژی انجام گرفته و اصولاً مواردی مانند کاربردهای پزشکی این فناوری- که همواره مورد تأکید ایران بوده- در این اخبار بازتابی نیافته است. شیوه نام‌دهی/ هویت‌بخشی کنشگران ایرانی نیز به‌گونه‌ای کاملاً مغرضانه انجام می‌گیرد و سیاستمداران ایرانی اغلب با عناوین و توصیف‌های دارای بار منفی تصویر می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به نحوه نام‌دهی آقای احمدی‌نژاد در خیر شماره یک اشاره کرد که در آن خبرنگار خبرگزاری فرانسه رئیس جمهور ایران را با کاربرد عبارت «تندرو» (the hardliner) هویت‌بخشی می‌کند:

... President **Mahmoud Ahmadinejad**, meanwhile, on Tuesday welcomed the upcoming talks in Istanbul, which he said would be followed by rounds of negotiations in Brazil and Iran.

The **hardliner** said world powers had applied a "lot of political pressure" against Iran and adopted "sanctions one after another to prevent Iran from becoming nuclear." ...

در موارد متعددی از اخبار بررسی‌شده شاهد این سازکار نام‌دهی مغرضانه به سیاستمداران ایرانی بودیم که به‌ویژه در مطالب روزنامه‌های آمریکایی (به‌ویژه *واشنگتن پست* و *نیویورک تایمز*) رویکردی آشکارتر و صریح‌تر دارند.

## ۶. نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های تحقیق در چارچوب انگاره اجتماعی- معنایی ون لیون به‌اختصار گویای این موارد است:

الف. اگرچه در تمام اخبار مورد نظر صدای طرف ایرانی اجازه انعکاس یافته است، از نظر حجم، کمتر از یک‌پنجم از مطالب منتشرشده به بازتاب نظرات طرف ایرانی اختصاص یافته است. به‌لحاظ محتوایی، در همین مقدار اندک نیز از انتشار نظرات کنشگران ایرانی که حاوی اطلاع جدید برای خواننده بین‌المللی است پرهیز شده است.

ب. سیاست حذف کنشگران ایرانی از موارد مثبت و اظهار نکات منفی در مورد ایشان و دقیقاً عکس همین راهبرد درباره کنشگران غربی دیده می‌شود. کنشگران ایرانی حاضر در این اخبار را اغلب سیاستمداران عالی‌رتبه ایرانی تشکیل می‌دهند و کارشناسان و متخصصان ایرانی یا مدافع برنامه اتمی ایران در این اخبار حذف شده‌اند.

ج. سیاست نام‌دهی و هویت‌دهی کنشگران ایرانی نیز نمودار سوگیری مطبوعات و رسانه‌های غربی در برابر پرونده اتمی ایران است؛ به‌گونه‌ای که ایران و کنشگران ایرانی به

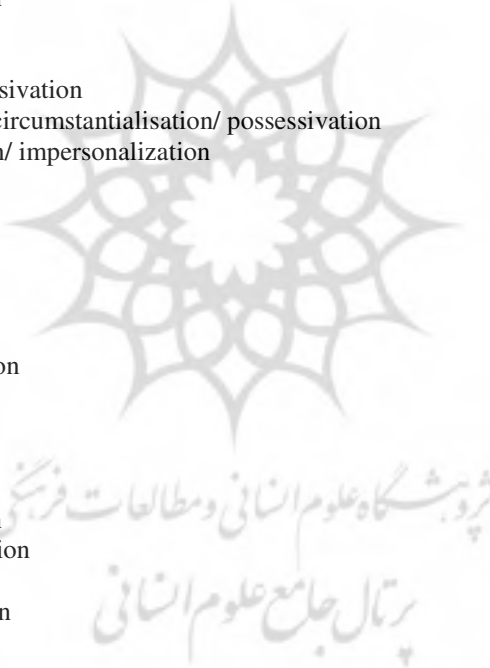
شیوه نام‌دهی مستقیم یا غیرمستقیم به‌گونه‌ای منزوی، منفی و در قالبی گفتمان‌مدار ترسیم می‌شوند؛ حال آنکه کنشگران غربی به‌شیوه‌ای همدلانه و متفاوت بازنمایی می‌شوند و در شرایطی که ایران به‌گونه‌ای تنها و منزوی به‌نمایش درمی‌آید، استفاده از مکانیسم‌های گروه ارجاعی و پیونددهی از کنشگران غربی مجموعه‌ای منسجم و متحد به‌تصویر می‌کشد. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد رسانه‌های مهم و تأثیرگذار بین‌المللی با وجود ادعای پوشش بی‌طرفانه اخبار در زمینه بازتاب رویدادهای مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران، رویکردی جانبدارانه و هدفمند اتخاذ کرده و ضمن حذف کنشگران ایرانی از رویدادهای مثبت، با اعمال سیاست‌های نام‌دهی و هویت‌بخشی مبتنی بر سیاست‌های منفی‌نمایی ایران، می‌کوشند تصویری افراطی و بی‌منطق از کنشگران ایرانی این منازعه ترسیم کنند. از سوی دیگر، کنشگران غربی که نظرات و گفته‌های آن‌ها بیش از ۸۰ درصد از حجم مطالب را به خود اختصاص داده است، افرادی متعادل، منطقی و علاقه‌مند به گفت‌وگو و حل و فصل ماجرا به‌شیوه‌ای صلح‌آمیز تصویر می‌شوند. این رویکرد نامتوازن و آشکارا سوگیرانه، حتی در بازنمایی و نام‌دهی نام کشور ایران نیز مشاهده می‌شود. هرچند انگاره کنشگران اجتماعی ون لیون از کفایت لازم برای آشکار کردن این رویکرد رسانه‌ای برخوردار است، پژوهش‌های تکمیلی دیگر می‌تواند نشان‌دهنده این سیاست سیاه‌نمایی ایران در رسانه‌های غربی و حذف نکات مثبت و اظهار و بزرگ‌نمایی نکات منفی آن در چارچوب‌های نظری مختلف در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی باشد. نتیجه چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به ایجاد آگاهی در زمینه شیوه بازنمایی مغرضانه رخدادها و کنترل جریان اطلاع‌رسانی آزاد از طرف رسانه‌های قدرتمند و پرنفوذ بین‌المللی منجر شود و دیدگاه انتقادی مخاطبان رسانه را که به‌واسطه پژوهش‌ها و روشنگری‌های محققان حوزه‌های مختلف به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی ایجاد شده است، تعمیق و گسترش دهد.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis (CDA)
2. Van Leeuwen
3. discursive
4. systemic functional grammar (SFG)
5. Wodak
6. socio-cognitive
7. socio-semantic



8. Kress
9. Laclau and Mouffe
10. social actors
11. participants
12. social actor
13. exclusion
14. inclusion
15. suppression
16. back grounding
17. radical exclusion
18. passive agent deletion
19. nonfinite clauses
20. beneficiary deletion
21. nominalization
22. process nouns
23. midde voice
24. activation/ Passivation
25. participation/ circumstantialisation/ possessivation
26. personalization/ impersonalization
27. behavioral
28. senser
29. mental
30. sayer
31. verbal
32. subjection
33. beneficialization
34. Goal
35. Phenomenon
36. carrier
37. attributive
38. personification
39. impersonification
40. determination
41. indetermination
42. genericisation
43. specification
44. abstraction
45. objectivation
46. individualization
47. assimilation
48. functionalization
49. identification



- 50. appraisalment
- 51. classification
- 52. relational identification
- 53. physical identification
- 54. formalization/ semiformalization/ informalization
- 55. titulation/ detitulation
- 56. honorification
- 57. affiliation

## ۸. منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۱). *مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی (تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- -دعاگویان، داود (۱۳۸۷). «بازی‌های زبانی در گفتمان‌های هسته‌ای گروه ۱+۵ با ایران». *فصلنامه رسانه*. ش ۷۶. صص ۴۱-۵۸.
- ذوالفقار روشن، مریم (۱۳۸۸). *بازنمایی گفتمان هسته‌ای ایران به روایت رئیس جمهوری‌های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. تهران.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). *قدرت، گفتمان و زبان: سازکارهای جریان قدرت در مطبوعات*. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان، و زبان: سازکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *مجموعه مقالات ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse*. London: Routledge.

- \_\_\_\_\_ (1989, 2001). *Language and Power*. London: Longman.
- Fowler, R. (1991). *Language in the News*. London: Routledge.
- NewsTalk & Text Research Group (2009). "Position Paper: Towards a Linguistics of News Production". *NT & T Working Paper Series*. No. 1. Pp. 1-22. Contact and Copyright: Geert Jacobs, Ghent University, Belgium: [Geert.Jacobs@ugent.be](mailto:Geert.Jacobs@ugent.be)
- Van Dijk, T. (1988). *News as Discourse*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Van Leeuwen, T. (2008), *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ (1993). "Language and Representation: The Recontextualisation of Participants, Activities and Reactions". Unpublished Ph. D. Thesis. University of Sydney.
- \_\_\_\_\_ (1995). "Representing Social Action". *Discourse and Society*. N. 6 (1). Pp. 81-106.
- \_\_\_\_\_ (1996). "The Representation of Social Actors" in C. R. Caldas-Coulthard and M. Coulthard (Eds.). *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*. London: Routledge. Pp. 32-70.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی